

داکتر غلام محمد انصاری "عضو کمیسیون صحتی مجمع دانشمندان و متخصصان افغانستان"

پذیرش وضعیت موجود در تمام ابعادش

قدم دوم از پنج قدم در جهت تغییر و تکامل توسعه شعور آگاه

با پذیرش وضعیت موجودی که دارید در حقیقت گامی را برای رفع هر گونه مشکل و یا تغییر وضعیت موجود تان بر می دارید.

یعنی بلی گفتن به وضع و حالت موجود که شما فعلاً در آن بسر می برید. وضع روحی، جسمی، عقلی، اجتماعی، شغلی، فامیلی، عاطفی و مالی. خلاصه وضع زنده گی فعلی در تمام ابعاد و حالات اش، در بدترین و خوبترین شکل آن.

یقیناً کار ساده نیست آنچه را که بار منفی دارد و توسط ماتحت شعور ما به صورت نا خود آگاه و خود کار در عمل پیاده می شود و به نیروی عادت ما تبدیل شده است خود به نا درستی آن پی ببریم، آنرا بپذیریم و و بلی بگویم. مثلاً: شخصی دچار مریضی سرطان است، استمنا و یا کمردردی دارد، دعوا با همسر و با همسایه مینماید، در محل کار دچار مشکل است و یا در زنده گی روزمره ده ها جنجال و مشکل دیگری دارد، آنها را بلی گفته و بپذیرد. این عمل از نظر برداشت عامیانه دیوانگی است بطور مثال: من مریض سرطانی استم ولی او را لبیک بگویم و حالت کنونی را که همانا مصاب بودن به سرطان است را بپذیرم. اما دقیق راز شفا سرطان و یا ده ها مرض دیگری جسمی، روحی و عقلی در پذیرش آنها نهفته است، زیرا با پذیرش و بلی گفتن وضع موجود است که میتوان با شعور آگاه در تغییر آن نقش تعیین کننده بازی نمود. تا زمانی که حقیقت موجوده که به آن رو به رو هستیم و توسط خود ما خلق شده است را رد نمائیم و خالق وضعیت موجود را در جای دیگری جستجو نمائیم، نمی توانیم نقش خالق و شفا بخش را در خود ایجاد کنیم. انرژی منفی آن حالت در وجود ماست و تنها ما هستیم که انرژی منفی را به انرژی مثبت یعنی انرژی شفا بخش تبدیل می توانیم. قول خداوند متعال است که: "از تو حرکت از من برکت"

یعنی آنچه را که رد می نمائی آنرا انرژی ادامه حیات میدهی که به وضع تولید انرژی منفی در جسم، روح، عقل، روابط فامیلی و اجتماعی ادامه دهد. اگر نمی خواهید دچار حالتی یا وضعیت شوید که شما را ناراحت سازد و میخواهید آنرا از خود دور کنید، پس آنرا بپذیرید ولو خیلی بد هم باشد. به گونه مثال: شما مصاب به سرطان شده اید بهتر است بگویم وجود شما مصاب به سرطان شده است نه شما و حالا شما بعنوان انسان که به این وضع دچار شده اید یعنی مصاب بودن به سرطان را بلی بگوید و بپذیرد. در قدم اول این کار خیلی مشکلی به نظر می رسد. ولی اگر شما روح، عقل و جسم خود را برای پذیرش آن باز کنید و بدانید که خود عامل این حالت هستید و سیستم حاکمیت بر خود را بیاموزید شاهد هر گونه تغییرات مثبت در زنده گی خود خواهید بود.

شرایط ناهنجار، همانند مشکل فامیلی، با والدین، فرزندان، محل کار، محیط زنده گی و غیره به صورت دوام دار باعث افراز کورتیزول Cortisol و ادرنالین (Adrenaline) می گردد، و بدن شما را به حالت دفاعی دوام دار (Schutzmodus) قرار میدهد. که در این صورت از رشد و نموئی (Wachstumsmodus) سالم وجود جلوگیری شده و بدن در حالت آماده باش دوام دار قرار می گیرد. و زیگنال های بیوفیزیکی محیطی، تعقلی، روحی و غذائی سبب تغییرات بیوشیمیک (Biochemic) در وجود گردیده که این تغییرات سبب تعاملات سایکولوژیک (psychologic) شده و باعث عکس العمل های بیولوژیک (BioLogic) می گردند، که بالاخره با ضعف سیستم دفاعی یا Immunsystem راه را برای ایجاد سرطان باز می کند. قرار است هر ثانیه در وجود انسان چهارده میلیون حجره حیات اش را با چهارده میلیون حجره جدید تعویض می کند، زمان که سیستم دفاعی بدن بنابر سترس دوام دار ضعیف شود و نتواند دستور مرگ طبیعی حرات (Apoptose) را بدهد حرات مستقل عمل نموده و خارج از سیستم حیاتی در هم پیوسته وجود به زنده گی خود ادامه داده به حرات سرطانی تبدیل میشوند. ولی اگر انرا جدی نگرفته و بدون ترس بعنوان عکس العمل وضع موجود خود پذیرفته و عواملی را که سبب ضعف سیستم دفاعی شده حل و برطرف نمایم، تهداب رشد حرات سرطانی تخریب گردیده و در یک پروسه شفای خودی مرض خود از همان راهی که آمده بود میرود. در این زمینه یعنی شفای خودی سرطان صد ها مثال وجود دارد، که در دفتر خود شفائی سرطان در طب طبعی ثبت است. شاید به نظر شما که هیچ تصویری از این طرز العمل ندارید بسیار بی معنی جلوه کند ولی تجارب قرن 20 و 21 و تجارب شخصی خودم این حقیقت را ثابت نموده است، که شما هر مرض و هر حالت را می توانید غیر از میتود های کمیای (Chemotherapy) شکاری و عملیات های بدون استطباب که اکثراً خود کشنده اند، تحت کنترل آورده شفا بدهید.

یکی از دوستان خیلی نزدیک من مصاب به Cyste¹ غده پانکراس (غده ای که مسؤلیت تنظیم و کاربرد شکر را در وجود به عهده دارد) بود که دوکتوران طب پس از چندین معاینات **احتمال** سرطانی بودن آن (Cyste) را می دادند. پس از معاینات زیاد نتیجه بر آن شد که شخص متذکره باید عملیات شود. عملیات خیلی بزرگ که با خطر مرگ همراه بود. وی برحسب **"سیستم پذیرش وضع موجود"** آرزو نمود که وجودش علامتی دهد که چه کند؟ آیا یک هفته بعد که تاریخ عملیات است برود یا نه؟ یکی از اعضای فامیل اش که مخالف عملیات بود ریزش کرد ریزش اش به مریض که قرار بود عملیات شود انتقال نمود. جالب آن است که فصل؛ فصل ریزش کردن هم نبود. این ریزش که با تب همراه بود سبب آن شد که عملیات به تاریخ تعیین شده صورت نگیرد (این یک اتفاق تصادفی نه بلکه دارای تهداب علمی، بیولوژیک و کوانتیک میباشد که در مقاله ای جداگانه روی آن بحث خواهم نمود) و بدین ترتیب از علمیات باز ماند و تا حال که یک سال از آن تاریخ می گذرد او جور و تیار بوده اصلاً مشکل جدی ندارد. امروز او آن حالت را پذیرفته و در جهت خورد شدن و از بین رفتن آن کتله، به نیایش (Meditation) دوام دار دست زده و بدین ترتیب با فعال ساختن سیستم دفاعی خود به واسطه نیایش و تأثیر خود شفائی، کتله را به خورد شدن و بدون اعراض مرضی رسانده است.

¹ جوف که مایع اورگان مصاب شده در آن جمع

شما راه را با پذیرش حالت موجود برای شفا باز می نمائید. اولاً مسئولیت می گیرد که حالت موجود یا مثلاً سرطان را خود خلق نموده اید. ثانیاً بلی می گوئید به موجودیت اش. فقط درین حالت فکری و خیر مقدم گفتن و عملاً پذیرفتن است که میتوانید تغییر در حالت را سبب شده، انرژی منفی ترس از سرطان را در جسم و روح تان به انرژی مثبت یعنی شفا بخش تغییر داده، پروسه شفا بطور خودکار در وجود شما به دستور فکری تان آغاز به عمل میکند. این پدیده را در طب مکنتی بنام (Placebo effect) می گوئید که صدها بار در تجربه و تحقیقات علمی به اثبات رسیده است. شما می توانید بگوئید من تصمیم گرفته ام که صحت شوم و این بلی گفتن و پذیرفتن وضع موجود را با تمام حجرات وجودم پیوند می زنم.

حکمت این قدم همانا تصمیم برای تغییر در وضع موجود است. هر چیزی که در زنده گی شما اتفاق می افتاد یک معنی و مفهوم دارد نه خوب و نه بد او اینجاست. این وضع میخواهد دیده شود، تفهیم گردد و پذیرفته شود. همچنان در درد ناک ترین حالت، در بدترین تجربه زنده گی یک مفهوم و یک راز نهفته است. این راز یک تحفه است که معنی اش آن است، بیدار شو و درک کن که خود در اساس خالق زنده گی ات هستی. مسئولیت آنچه تا امروز در زنده گی ات خلق کردی را بدست گیر، به آن احترام بگذار و پس از تجربه و تحلیلی خوب و بد، تصمیم نو برای ادامه و انجام خوبیها بگیر و پدیده های بد را از ماتحت شعور خود توسط شعور آگاه تعویض نما و چیزی های نو خلق کن. پدیده های نو مثل، صحت، خوشحالی، روابط صلح آمیز، محبت ورزیدن کسب آگاهی خودی در محیط فامیلی، در یک محیط انسانی با همسایه ها و غیره خلق نما و از زنده گی لذت ببر. این است انتخاب جدید. باید تذکر داد که صحبت های فوق برای تنظیم مناسبات انسانی بین اکثریت 99% انسان ها است که تحت ظلم و ستم یک فیصدی حاکم در جامعه ما و جهان قرار دارند نه برخورد 99% با یک فیصد. مناسبات و روابط با یک فیصد غارتگر، تجاوزگر، ظالم، خائن و استعمار گر را نمی شود با این شیوه ها ماست مالی کرد. بلکه حل این اختلاف عمیق اجتماعی و طبقاتی مستلزم بحث های عمیق علمی و سیاسی است که در محتوای این مقالهء طبی نمی گنجد.

پایان قدم دوم